

## بیمه‌های زندگی اندوخته ساز

محمود عادل سبزواری

کارشناس ارشد و مدرس بیمه

در حال حاضر رشته‌ای از رشته‌های مختلف بیمه که کمتر مورد عنایت قرار گرفته و از نظر مبانی محاسبه، تقریباً به حال اولیه ۶۰ سال پیش باقی مانده، رشته بیمه‌های زندگی اندوخته ساز است. باید کوشید که این نقیصه به دست خود ما ایرانیان برطرف و تحول لازم در این زمینه بدون استمداد از بیگانگان، هرچه زودتر عملی شود.

اگر مسأله راه‌اندازی طرح‌های جدید بیمه‌های اندوخته ساز زندگی برای ما موضوعی تازه است در نزد بسیاری از کشورها سالها قبل حل و اجرا شده و برای ما نیز نه تنها ممکن بلکه میسر است. آیا زمان آن نرسیده است که آنچه از سالها پیش در بسیاری از کشورها در مورد بیمه‌های زندگی و مقابله آنها با تورم به عمل آمده در کشور ما نیز، بعد از این همه تأخیر، جامه عمل بپوشد؟

چرا بیمه‌های اندوخته ساز که در کشورهای پیشرفته از پر دامنه‌ترین و نیرومندترین رشته‌های بیمه است در کشور ما از محدودترین و ضعیفترین رشته‌هاست؟ دلیل اصلی این امر جاذب نبودن مزایای بیمه‌های زندگی اندوخته‌سازی است که تا همین اواخر شرکتهای بیمه ایرانی عرضه می‌کردند. این قصور بلکه تقصیر در متحول ساختن این بیمه‌ها متضمن دو زیان است: یکی برای ملت و دیگری برای دولت؛ یکی محروم ساختن مردم از مزایای این بیمه‌ها و دیگری بی‌بهره ساختن دولت از انباشته شدن پس‌اندازهای بیمه‌های زندگی اندوخته ساز نزد وی.

دولت می‌کوشد که مردم را به گشایش حسابهای سرمایه‌گذاری درازمدت در بانکها ترغیب کند. آیا سرمایه‌گذاری‌های ۲۰ ساله و ۳۰ ساله و مادام‌العمر، درازمدت است یا حسابهای سرمایه‌گذاری پنجساله؟

کسانی که آگاهی کافی از بیمه‌های زندگی ندارند، تورم را مانع پیشرفت بیمه‌های اندوخته ساز می‌دانند اما آگاهان در رشته بیمه‌های زندگی می‌دانند که مسأله تورم سد راه پیشرفت این

بیمه‌ها نیست و طرحهای متعددی از بیمه‌های زندگی برای خنثی کردن آثار آن وجود دارد. متحول ساختن طرحهای بیمه‌های زندگی اندوخته‌ساز امری گریز ناپذیر است، امری که اجرای آن در کشورمان آغاز شده است. چه بهتر که هرچه زودتر و به دست ما ایرانیان اجرا شود تا به دست بیگانگان.

خود من همیشه در جست‌وجوی یافتن راهی برای فعال ساختن بیمه‌های زندگی اندوخته‌ساز بوده‌ام زیرا توسعه این بیمه‌ها را به سود ملت و دولت، هر دو، می‌دانم. از ۲۵ سال پیش، همواره در پی یافتن راهی برای افزودن مزایای حاصل از بیمه‌های زندگی اندوخته‌ساز تلاش کرده‌ام که چگونگی مراحل آن به قرار زیر بوده است.

**گام اول:** ۲۵ سال قبل که در بیمه خصوصی آسیای آن زمان کار می‌کردم برای تحقق این آرزو، بیمه‌های عمر و پس‌انداز را که معمولاً آن را از ترکیب یک بیمه عمر زمانی و یک بیمه به شرط حیات بدون برگشت حق بیمه حساب می‌کردیم تبدیل به یک بیمه عمر زمانی و یک بیمه به شرط حیات با برگشت حق بیمه کردم. این عمل باعث شد که در صورت فوت بیمه شده در خلال مدت بیمه، علاوه بر پرداخت سرمایه بیمه در حدود ۴۲ درصد از حق بیمه‌های پرداخت شده هم به استفاده‌کننده از منافع بیمه‌نامه پرداخت شود.

بیمه مرکزی ایران از مشاور انگلیسی خود خواست که درباره این موضوع تحقیق کند. وی به بیمه آسیا آمد و درباره حسابهای بیمه‌های عمر و پس‌اندازی که بدین منوال صادر کرده بودم و بیمه مرکزی ایران شماره‌های آنها را در اختیار او گذاشته بود توضیح خواست. حسابهای آن بیمه‌ها را یک به یک توضیح دادم که صحت آنها را تأیید کرد. روز آخر گفت: «می‌دانی من کی هستم؟» گفتم خیر. گفتی من در انگلستان بازنشسته شدم ۱۷ اکتوبر، زبردست من کار می‌کردند اما هیچ وقت بیمه عمر و پس‌اندازی به این صورت حساب نکرده بودیم. گزارش او به بیمه مرکزی ایران درباره صحت محاسبات آن بیمه‌های عمر و پس‌انداز باعث حصول اطمینان آنان از درستی محاسبات شد.

**گام دوم:** در سال ۱۳۵۳، بیمه مرکزی ایران طرح آیین‌نامه بیمه‌های زندگی را تهیه کرد و از سه شرکت بیمه ایران، ملی و آسیا خواست که نمایندگان تام‌الاختیار خویش را برای بحث درباره طرح مزبور گسیل دارند. هر سه شرکت، مرا به بیمه مرکزی ایران معرفی کردند. به معاون فنی آن مؤسسه دو پیشنهاد کردم. یکی آنکه نرخ سود حتمی پایه محاسبه نرخهای حق بیمه‌های زندگی را که ۳ درصد در سال در نظر گرفته بودند ۶ درصد کنند. این تقاضا را پذیرفت. تقاضای دوم آنکه بیمه‌های عمر و پس‌انداز صادر شده در شرکتهای بیمه که باید ۵۰ درصد حق بیمه‌های آنها نزد

بیمه مرکزی ایران بیمه اتکایی شود ۵۰ درصد از حق بیمه عمر زمانی آن گرفته شود و ۵۰ درصد بیمه پس انداز به شرط حیات آن گرفته نشود. با این تقاضا موافقت نشد.

**گام سوم:** در آن ایام در شرکت بیمه ایران خدمت می‌کردم. مدیرعامل وقت، بنده را برای ارائه طرح‌های جدید بیمه‌های زندگی دعوت به همکاری کرد.

طی دو سال که در آن شرکت بودم ۲۰ گزارش و هر کدام در حدود ۳۰ صفحه تهیه و به مدیرعامل تقدیم کردم. در این گزارشها تجزیه بیمه عمر و پس انداز به یک بیمه عمر در مقابل خطر فوت و یک حساب سرمایه‌گذاری پیشنهاد شده بود.

سمیناری از کلیه رؤسای شعب آن شرکت ترتیب یافت. از بنده خواستند که کلیات طرح‌های راهگشا در مورد توسعه این بیمه‌ها را توضیح دهم، طبق دستور عمل شد. مدیرعامل، مدیر فنی و رئیس بیمه عمر با طرح‌های پیشنهادی موافق بودند. اما دست‌اندرکاران رشته بیمه‌های زندگی با اجرای آن طرحها مخالفت می‌ورزیدند و نظر اولیای شرکت را هم در آن مورد برگرداندند. از آن شرکت استعفا کردم و به شرکت بیمه ساختمان و کار رفتم.

تلاش دو ساله بی‌نتیجه ماند. دست‌اندرکاران قسمت بیمه‌های زندگی، این تحول در بیمه عمر و پس انداز را به نفع شرکت ندانستند و به مدیرعامل وقت نوشتند که این پیشنهاد پایه علمی ندارد. درحالی که مدیرعامل، معاون فنی و رئیس قسمت بیمه‌های زندگی با آن موافق بودند. قضیه راکد ماند.

**گام چهارم:** چون کوشش‌هایم در شرکت بیمه ایران بی‌نتیجه ماند، در شرکت بیمه ساختمان و کار دنباله کار خویش گرفتم و این طرح تجزیه بیمه عمر و پس انداز به یک بیمه عمر زمانی و یک حساب پس انداز واقعی را در آنجا اجرا کردم. با پس اندازهای بیمه‌گذاران، اوراق قرضه دولتی می‌خریدم که نرخ سود سالیانه‌شان از ۸ تا ۱۰/۵ درصد بود و به پس انداز بیمه‌گذاران ۱۰ درصد سود می‌دادیم و در آخر هر سال، صورت اصل پس اندازها و سود آنها را برای هر بیمه‌گذار می‌فرستادیم. منافع حاصل برای بیمه‌گذاران چند برابر شد و خرید اوراق قرضه هم، خدمتی به دولت بود. بیمه مرکزی ایران هم واکنشی نشان نمی‌داد؛ می‌خواست ببیند که آیا از این کار نتیجه مطلوبی حاصل می‌شود یا خیر.

**گام پنجم:** در همان سالهایی که در شرکت بیمه ایران کار می‌کردم، شرکت بیمه البرز از بنده خواست که به فرض اجرای این طرح تجزیه و ادامه آن برای مدت ۳۰ سال، نتایجی را که برای بیمه‌گذاران و برای شرکت بیمه البرز حاصل می‌شود حساب کنم. این حساب انجام و معلوم شد که چه وجوه هنگفتی از پس اندازهای بیمه‌گذاران در نزد شرکت جمع می‌شود. رئیس هیأت

مدیره آن شرکت به طور خصوصی به بنده گفت: «این وجوه هنگفت، وسوسه انگیز است، اجازه اجرای آن را ندادم».

گام ششم: آقای احمد گرانمایه، در زمانی که به کمیته فنی بیمه ایران منتقل شد به بنده گفت: به فرض اینکه بیمه گذاری به ستین مختلف (مثلاً ۲۰، ۳۰، ۴۰ یا ۵۰ سال) برای مدت‌های مختلف مثلاً ۲۰، ۲۵ یا ۳۰ سال بیمه شود و ماهی ۵۰۰۰ ریال حق بیمه بدهد و بیمه عمر و پس انداز به صورت بیمه عمر زمانی و پس انداز مستقل درآید چه مزایایی عاید وی می شود.

اکنون این طرح در مورد بیمه عمر و پس انداز و بیمه بقیه عمر محاسبه و به تأیید بیمه مرکزی ایران رسیده و برای کلیه افرادی از آن شرکت که به نحوی با بیمه های زندگی ارتباط دارند توضیح داده شده و لوازم اجرای آن فراهم گردیده است.

تأخیر در اجرای طرحهای جدید بیمه های زندگی، مانع پیشرفت این بیمه ها در کشور ما شده است. در کشوری با ۶۰ میلیون جمعیت، کلاً در حدود ۵۰۰۰ نفر، بیمه های زندگی اندوخته ساز دارند: هر ۱۲۰۰۰ نفر ایرانی یک بیمه از این نوع! دست اندرکاران بیمه زندگی در این مورد چه توضیحی دارند؟

چنین است که خارجیان برای این بازار بکر به طمع می افتند و هر زمان که بتوانند به آن هجوم می آورند. «شرکت بیمه ایران و امریکا» نمونه ای از آن بود. باید اذعان کرد تأمینیه که از این راه در کشورهای دیگر برای اغلب خانواده ها به وجود می آید در ایران به وجود نیامده است و درحالی که همگان شاهد کوشش مداوم دولت برای ایجاد تأمینهای گوناگون برای مردم هستیم، بیمه گران بیمه های زندگی گامی در راه ایجاد تأمینیه برای خانواده ها برنداشته و همگام با مقاصد و منویات دولت و هماهنگ با آن عمل نکرده اند تا بار سنگینی که بر دوش دولت است کمی سبکتر شود.

آقای فخارزاده دوست قدیمی این بنده و بزرگترین نماینده شرکت امریکایی «متروپولیتن لایف» قریب سه سال قبل به دعوت وزارت دارایی به تهران آمد. از وی شنیدم که می گفت: «من برای هر فرزند که بیمه بقیه عمرش می کنم در حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار دلار می دهم و در پیری در حدود یک میلیون دلار نفع بیمه ای او خواهد بود». این موضوع در کشور ما نه تنها با این ارقام بلکه با ارقامی جالبتر، اجرا شدنی است. محاسبات بیمه ای نشان می دهد که اگر نوجوانی در ایران بیمه بقیه عمر شود به عوض اینکه نفع بیمه ای او در زمان کهولت، ۳۰ برابر حق بیمه های پرداختی او گردد، ۵۰ برابر یا بیشتر خواهد شد: مقابله بیش از اندازه با تورم، تأمینیه جالب برای خانواده ها، راهی برای انباشته شدن پس اندازها در نزد دولت و پس اندازهایی متضمن پوشش

بیمه‌ای یعنی کاملتر از پس‌اندازهای بانکی.

در این طرحها در حدود ۹۰ درصد حق بیمه سرمایه‌گذاری می‌شود و حساب هر بیمه‌گذار از طریق این سرمایه‌گذاری به خود او اختصاص می‌یابد. این روش در طول مدت بیمه، منافع عظیمی برای آنان به وجود می‌آورد و نگرانی بیمه‌گذاران از کاهش ارزش پول در آینده، از طریق افزایش آن منافع، از بین می‌رود.

سرمایه حاصل از یک بیمه عمر و پس‌انداز ۳۰ ساله برای یک نفر که مثلاً در ۳۰ سالگی بیمه شود در وضع فعلی ۵۰ درصد و حداکثر ۱۰۰ درصد بیش از کل حق بیمه‌های پرداخت شده است، اما این منافع در طرحهای پیشنهادی به ۸۰۰ تا ۹۰۰ درصد کل حق بیمه‌ها بالغ می‌شود که به نحو کامل با مشکل تورم مثلاً ۳۰ درصد در سال مقابله می‌کند.

یک بیمه ۳۰ ساله که سرمایه‌پایانیش در حدود ۱۰ برابر کل حق بیمه‌های پرداخت شده‌اش باشد، ۹ برابر یعنی ۹۰۰ درصد بیش از حق بیمه‌هاست. حق بیمه‌ها هم به تدریج در طی ۳۰ سال پرداخت شده‌اند یعنی به طور متوسط ۱۵ سال نزد شرکت مانده‌اند.

۹۰۰ درصد افزایش در ۱۵ سال معادل ۶۰ درصد افزایش کل حق بیمه‌ها در هر سال است که بسیار بیشتر از حد لازم برای مقابله با تورم مثلاً ۳۰ درصد در سال است.

سرمایه پایانی در این بیمه‌های تجزیه شده نسبت به جمع کل حق بیمه‌های پرداخت شده تا پایان مدت بیمه در یک بیمه ۲۰ ساله در حدود ۴ برابر، در یک بیمه ۲۵ ساله در حدود ۶ برابر، در یک بیمه ۳۰ ساله در حدود ۱۰ برابر، در یک بیمه ۴۰ ساله نزدیک به ۳۰ برابر و در یک بیمه بقیه عمر که ۵۰ سال ادامه یابد نزدیک به ۱۰۰ برابر کل حق بیمه‌های پرداخت شده است.

امکان دارد این نسبتها در نظر برخی اشخاص که به محاسبات بیمه‌های زندگی آشنایی نداشته باشند شگفت و اغراق‌آمیز به نظر آید، اما در نظر کسانی که در این رشته تخصص دارند ارقامی عادی و کاملاً عملی است.

### مزایای محاسباتی طرح

۱. چنانکه توضیح داده شد، این بیمه‌های تجزیه شده شامل یک بیمه عمر زمانی و یک حساب پس‌انداز بانکی است. بیمه عمر زمانی آن فاقد اندوخته مربوط به بیمه‌گذار است، بنابراین ارزش باخرید و سرمایه مخفف در مورد آن مطرح نیست. حساب پس‌انداز آن هم یک حساب سودبخش ساده است و فاقد هرگونه محاسبه آکتوئری.

۲. با محاسبات مفصلی که در آیین‌نامه بیمه‌های زندگی در مورد «مشارکت بیمه‌گذاران در منافع بیمه‌های زندگی» پیش‌بینی شده و به موجب آن باید منافع حاصل از مجموع معاملات

بیمه‌های زندگی در هر سال محاسبه شود، اندوخته ریاضی هر بیمه‌گذار تعیین و سهم هر بیمه‌گذار از منافع کل بیمه‌های زندگی تعیین می‌شود. حسابهایی که هیچ‌گاه چنانکه آیین‌نامه می‌خواسته اجرا نشود به کلی از بین می‌رود.

۳. ارزش باخرید بیمه‌ها بسیار زودتر از بیمه‌های سنتی شروع می‌شود و به عبارت ساده‌تر مدتی که بیمه‌نامه فاقد ارزش باخرید است بسیار کوتاهتر از مدت بدون باخرید بیمه‌های سنتی است.

۴. در هر حال منافع حاصل از بیمه‌های جدید، چه در صورتی که بیمه‌گذار در طی مدت بیمه پرداخت حق بیمه را متوقف سازد و چه در صورت فوت بیمه شده در طی مدت بیمه، بسیار بیشتر از منافع حاصل از بیمه‌های سنتی است.

۵. حساب پس‌انداز هر بیمه‌گذار و سود حاصل از آن مستقلاً به نام خود بیمه‌گذار نگهداری می‌شود و در آخر هر سال شمس‌ی صورت حساب پس‌انداز و سود هر بیمه‌گذار برای وی ارسال می‌گردد. این عمل باعث اطمینان خاطر بیمه‌گذار نسبت به عملیات بیمه‌گر می‌شود.

سرانجام اینکه، شرکت سهامی بیمه ایران است که تصمیم قاطع برای توسعه این بیمه‌ها اتخاذ کرده و در تلاش ترتیب دادن لوازم گسترش بیمه‌های اندوخته‌ساز است.

بنده که سالها برای معرفی این طرحها کوشش کرده و یک دوره هم آنها را اجرا نموده‌ام، اکنون که دستم از کارهای اجرایی کوتاه است امیدوارم که در حیات خود شاهد به ثمر رسیدن کوشش شرکت سهامی بیمه ایران در راه نجات این بیمه‌های اندوخته‌ساز باشم، اما در عین پیروی، آمادگی خود را برای انجام هر خدمتی که در توان داشته باشم در راه اجرای این طرحها اعلام می‌نمایم.

قراین حاکی از آن است که دوران ناکامی منقضی شده و روزگار کامیابی فرارسیده است. زیرا زمینه مساعد است و لوازم پیشرفت کار از نظر علمی و نیروی کار آماده. حسن نیت اولیای محترم و علاقه‌مندی آنان به گسترش کلیه رشته‌های بیمه به ویژه رشته بیمه‌های زندگی مشهود است و بازاری ۶۰ میلیون نفری برای رواج این بیمه‌ها موجود، و بسیاری از مردم در انتظار یافتن راهی برای تأمین مالی آینده خود و افراد خانواده خویش هستند.